

نقش صحابه در تحولات فرهنگی و اجتماعی زمان پیامبر ۹

تاریخ دریافت: ۹۴ / ۹ / ۱۵ تاریخ تأیید: ۹۴ / ۱۱ / ۱۲

نجمه رضاییان*

چکیده

صحابه پیامبر ۹، در مقام بزرگان جامعه صدر اسلام و به‌عنوان کارگزاران و نخبگان جامعه، نقش اساسی در تغییرات و تحولات زمان خود ایفا نمودند. صحابه بر اساس جایگاه و نقش خود در جامعه و در حوزه‌های مختلف دست به اقداماتی زدند که در بسیاری از دگرگونی‌ها و تحولات تأثیرگذار بودند. در این مقاله با توجه به نقش کلیدی و نخبگی که به صحابه داده شده است، بر اساس نظریه نخبگان در تغییرات اجتماعی، نقش آنان در تحولات فرهنگی و اجتماعی زمان پیامبر ۹، بررسی شده است. این که صحابه چگونه توانستند این نقش‌ها را به دست آورند و چه عوامل و معیارهایی پایگاه اجتماعی آنان را تعیین و تثبیت کرد و بر اساس نقش و پایگاه اجتماعی خود، چه تأثیری بر تحولات فرهنگی و اجتماعی داشته‌اند، مورد توجه قرار گرفت. فرضیه این مقاله آن است که؛ عملکرد برخی از صحابه در تحولات جامعه در جهت ارزش‌های اسلامی بود. با توجه به متون تاریخی و روایی این نتیجه به دست آمد که برخی از صحابه پیامبر ۹ به دلیل همسانی عملکردشان بر اساس ارزش‌های مورد تأیید جامعه اسلامی، توانستند دارای پایگاه اجتماعی برتر شوند. اسلام آوردن و ایمان به خدا و پیامبر ۹، هجرت، جهاد، مصاحبت و همراهی با پیامبر ۹ و... از جمله عوامل تعیین پایگاه اجتماعی در صدر اسلام بودند. صحابه با استفاده از این موقعیت‌ها جایگاه خود را در جامعه به‌عنوان افراد شاخص و برجسته تثبیت نمودند و این عوامل موجب شد تا آنان از طرف جامعه، مورد تأیید قرار گرفته و نقش نخبگی به آنان داده شود و نقش تعیین‌کننده‌ای در تحولات جامعه داشته و با تکیه بر رهبری الهی و ایمان و عقیده بر مبنای تعالیم قرآن کریم و سیره پیامبر ۹ جامعه‌ای اسلامی تشکیل دادند و در گسترش آن نقش مهمی ایفا کردند.

واژه‌های کلیدی: نقش، صحابه، تحولات، فرهنگی، اجتماعی، نخبگان.

مقدمه

تغییر و تحول در جوامع انسانی امری بدیهی بوده و در اعصار مختلف تاریخ بشریت کم‌وبیش رخ داده است. تحول در هر جامعه، تحول تاریخ آن جامعه را نیز به دنبال دارد. این تغییر و تحول می‌تواند در جهت مثبت و در مسیر پیشرفت جامعه باشد و یا بالعکس در جهت منفی و بردن جامعه به عقب و نوعی پسرفت صورت گیرد. بی‌شک نخبگان و خواص هر جامعه، به خاطر نفوذ و تأثیر گفتار و رفتارشان، نقش اساسی در تغییرات و تحولات جامعه دارند و به‌عنوان یکی از عوامل تعیین‌کننده و مؤثر در ایجاد دگرگونی‌ها و تحولات جامعه به شمار می‌آیند. صحابه پیامبر ۹ به‌عنوان کارگزاران و نخبگان جامعه، دارای پایگاه اجتماعی مهم و برجسته و دارای نقش‌هایی چون؛ نقش کلیدی، نقش مشروعیت‌بخشی، نقش حمایتی و تدافعی و... شدند. در حقیقت این نقش‌ها، عامل اصلی و تعیین‌کننده پایگاه اجتماعی آنان به حساب می‌آمد. به عبارتی، پایگاهی که صحابه در جامعه به دست آوردند، بر اساس ارزش‌های مورد تأیید جامعه اسلامی بود. لذا آنان تأثیر مهمی در سیر تحولات جامعه داشتند. نقش و عملکرد آنان به‌طور ریشه‌ای موجب دگرگونی و تحول جامعه جاهلیت شد به‌گونه‌ای که تأثیر عمیقی بر همه جنبه‌های جامعه جاهلی بر جای گذاشت و زمینه بروز و ظهور اسلام را در جهات گوناگون برای دیگران فراهم نمود.

با رجوع به منابع معرفه الصحابه و فضائل الصحابه و کتب تاریخی و روایی این مطلب به دست می‌آید که صحابه نسبت به کسانی که پیامبر ۹ را ندیده بودند، مقام و جایگاه برتری داشتند و این جایگاه به جهت نقش فعالی بود که در حمایت از اسلام و حکومت تازه تأسیس پیامبر ۹ و دفاع از آن در صحنه‌های حساس حملات مشرکان داشتند.

ارزیابی نقش صحابه در پابندی به ارزش‌ها و فرهنگ اسلامی، درستی یا نادرستی این عقیده را روشن می‌نماید.

با توجه به اهمیت شناخت این تأثیر و جنبه‌های انحرافی که ممکن است از جهت تعصبات برخی گرایش‌ها نسبت به عدم شناخت درست صحابه و نقش آنان ایجاد شود این پژوهش در پی آن است تا به بررسی بعد فرهنگی عملکرد صحابه در زمان پیامبر ۹ بپردازد. برای تشریح این موضوع، با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به ارزیابی این مسئله پرداخته شده که نقش صحابه و افراد صاحب نفوذ و تأثیرگذار در تحولات جامعه چه بوده و آنان چه تأثیری بر روند تحولات فرهنگی و اجتماعی داشته‌اند. قبل از هر چیز لازم است مختصری درباره ساختار فرهنگی و اجتماعی دوره جاهلی مطالبی بیان شود.

ساختار فرهنگی و اجتماعی دوره جاهلی

سرزمین گرم و خشک شبه جزیره و سختی و بدی راه، موجب شده بود رابطه‌ای میان مردم متمدن مناطق دیگر و حجاز وجود نداشته باشد. قتل و غارت، رقابت و فخر فروشی و تعصبات قبیله‌ای از جمله ویژگی‌های اعراب جاهلی بود. طبری به برخی از جنگ‌ها، معروف به «روزهای عرب» از جمله؛ روزهای ذی قار، فجار و... اشاره کرده است. روز فجار پیش از بعثت، در نتیجه تفاخر به کثرت عشیره و اموال رخ داد و پس از این جنگ بود که پیمان فضول شکل گرفت. (مسعودی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۶۲۶) ابن اثیر نیز جنگ‌های مشهور بیشتری را بیان نموده و زد و خوردهای سخت میان قبایل را تحت عنوان «سخن درباره روزهای عرب در دوره جاهلیت» شرح داده است. (ابن اثیر، ج ۵، ۱۳۷۱، ص ۲۴۰) اعراب تنها در شهر مکه که آن را حرم امن می‌دانستند، به جنگ نمی‌پرداختند. بخاری در «الصحيح» به این نکته اشاره کرده است: «شهر مکه شهری است که خداوند حرام کرده آن را، روزی که آسمان‌ها و زمین را خلق کرد و این شهر حرام است به حرمت الهی تا روز قیامت و قبل از ما نیز قتال در آن حلال نبوده است».

(البخاری، الصحيح، ۱۳۱۴ هـ، الجزء الثالث، ص ۱۴) از شاخصه‌های مهم زندگی اعراب، گذشته‌گرایی و توجه بیش از حد به اصل و نسب و افتخار به آن بود. (جعفریان، تاریخ سیاسی اسلام، ۱۳۶۹، ج دوم، صص ۳۰-۲۷) چنان که قرآن کریم نیز در موارد متعددی به مسئله گمراهی پدران و لزوم گسسته شدن از آنان تأکید می‌نماید چنان که کلمه آباء در بیست و چهار سوره و در سی و یک آیه در مکه و در زمان برخورد با قریش نازل شده است. از جمله در سوره اعراف، آیات ۲۸-۲۷ و ۱۷۲، سوره مریم، آیات ۴۸-۴۱، سوره لقمان، آیات ۱۵-۱۳. بنابر منابع تاریخی، وجود اوهام و خرافات و افسانه‌های باستانی که مغز اعراب جاهلی را پر کرده بود، سبب شد تا فکر و عقل آنان رشد نکند و در نتیجه جامعه گرفتار خرافه پرستی شد و از تعالی و پیشرفت باز ماند. (یعقوبی، ۱۳۷۴، ج ۱، صص ۳۳۸ - ۳۳۱ - طبری، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۷۹۳ - مسعودی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۴۸۵)

عوامل مذکور از جمله عللی است که سبب دورافتادگی مردم عربستان بویژه منطقه مرکزی آن -حجاز- از مراکز عمده فرهنگی شد. طبعاً نتیجه محدودیت تعاملات فرهنگی و قرار نداشتن در مسیر تکامل فرهنگی، فقدان میراث غنی فرهنگی را به دنبال داشت. تشتت در عقاید و باورها و آمیختگی آن‌ها با افسانه‌ها، خرافات و موهومات و فساد اخلاقی در جامعه جاهلی حجاز، موجب عدم پیشرفت و تنوع در ساختار فرهنگی، اجتماعی و... گردید. (جعفریان، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۰۵ و ۱۳۶۹، ج ۲، صص ۳۵-۳۰ و زرگری نژاد، ۱۳۷۸، صص ۱۷۳-۱۷۱)

علیرغم وجود انحطاط فرهنگی در جامعه مکه، نور اسلام دمید و اشعه وجودی آن در جامعه جاهلی، تغییرات فرهنگی و اجتماعی پدید آورد و به جای مؤلفه‌هایی چون شرافت نسب، تعصبات قومی و قبیله‌گرایی و...، عناصر هویتی جدیدی را وارد فرهنگ مسلمانان نمود. این مؤلفه‌های جدید، ملاک سنجش و ارزشیابی برای مسلمانان عصر پیامبر ۹ و بعد از ایشان قرار گرفت. بررسی این مؤلفه‌ها، ما را در شناخت نخبگان دینی در تحولات فرهنگی و اجتماعی، یاری خواهد نمود.

۱. تبیین هویت مسلمانی با تکیه بر ارزش‌های اسلامی

نظام ارزشی در جامعه اسلامی، نشأت گرفته از نظام عقیدتی است. در اسلام مبنای عقیده، قرآن و سنت است و نظام ارزشی که در عصر رسول خدا ۹ ایجاد شد نیز بر همین اساس بود. نقش صحابه در ایجاد جامعه ۰ مبتنی بر ارزش‌های اسلامی و نیز تغییر و تحولاتی که توسط آنان انجام گرفت، مورد توجه است. مهم‌ترین ارزش‌های مورد تأیید جامعه اسلامی، براساس نظام ارزشی قرآن و از دید منابع روایی و تاریخی، اهمیت بسزایی در ارزیابی نقش صحابه در عصر پیامبر اسلام ۹ دارد لذا این موضوع بر اساس مؤلفه‌های زیر بررسی می‌شود:

۱-۱ سبقت در اسلام و ایمان به دعوت پیامبر ۹

سبقت گرفتن در استقرار و پیشرفت یک عقیده و تلاش در جهت تعالی آرمان‌ها و اهداف والايش، از جمله ارزش‌های مهم است. بیان برتری و فضل صحابه و کسانی که بعد از بعثت پیامبر اکرم ۹ - تا رحلت آن بزرگوار - اسلام و ایمان آوردند نیز بر همین مبنا قرار دارد. قرآن نیز سبقت جوینان را کسانی معرفی می‌نماید که مقدم‌اند و از مقربانند. (سوره واقعه / ۱۰ و ۱۱) «سابقون الاولون» گروهی از نخستین مسلمانان هستند که قرآن از آنان با این عنوان یاد نمود. قرآن سبقت جوینان از مهاجر و انصار و کسانی که به خوبی از آنان پیروی کردند را تمجید می‌نماید که خدا از ایشان خشنود و آنان نیز از او خشنودند. (سوره توبه/ ۱۰۰) در حقیقت به جهت اهمیت و ارزشی که ورود به اسلام داشته، پیشتازان مسلمان، از ارج و قرب بیشتری برخوردار می‌باشند. آنان در ایمان به خدا و پیامبر و روز جزا پایدار بودند و پایه دعوت اسلامی را تشکیل دادند.

در بسیاری از منابع تصریح شده است اولین کس که از مردان اسلام آورد، حضرت علی علیه‌السلام بود. (ابن اثیر، ۱۴۰۱، ج ۱، ص ۲۸۷ - طبری، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۸۵۸ - ابن خلدون، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۳۹۶ - ابن هشام، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۶۰) حتی گفته

می‌شود: «او هرگز چیزی را با خدا انباز نکرده بود تا از نو مسلمان شود...». (مسعودی، ۱۳۷۴، ج ۱، صص ۶۳۳-۶۳۲) طی سه سال دعوت مخفی، مسلمانان نخستین در دره‌های کوه‌ها نماز می‌خواندند و افراد معدودی به اسلام گرویدند. زمانی که رسول خدا ۹ مأمور شد تا دعوت خویش را آشکارا بیان نماید؛ صهیب، بلال، مقداد، عمار و پدرش یاسر و مادرش سمیه، جزء نخستین کسانی بودند که در دعوت علنی، اسلام خود را آشکار کردند. (بیهقی، ۱۳۶۱، ج ۲، ص ۴۵ - ابن خلدون، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۳۹۵ - ابن هشام، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۶۴) اسلام آوردن و آشکار نمودن آن، با توجه به شرایط سخت آن دوران، کاری بسیار دشوار بود، اما اسلام آوردن همین تعداد کم تأثیر زیادی بر روحیه اسلام آوردگان و تازه مسلمانان گذاشت. اسلام آوردن افرادی چون حمزه بن عبدالمطلب و حمایت او از پیامبر ۹، باعث قوت قلب تازه مسلمانان بود. (طبری، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۸۷۶) با وجود این که سران قریش تصمیم گرفتند فرزندان و برادران و افراد قبیله خود را از مسلمانی برگردانند و با مسلمانان بد رفتاری می‌کردند، اسلام در مکه رواج یافت و حتی برخی از اشراف قریش مسلمان شدند. (طبری، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۸۷۲)

بدین ترتیب سابقین در اسلام همان کسانی اند که در سال‌های اول دعوت در شرایط دشوار مکه به ویژه تا زمان هجرت به حبشه اسلام آوردند و مشکلات بسیاری تحمل کردند. آنان از فضیلت بیشتری نسبت به کسانی که دیرتر اسلام آوردند برخوردارند. در تاریخ اسلام برخی کسانی که نقش و تأثیر زیادی در تحولات جامعه داشتند، جزء صحابه پیامبر ۹ شناخته شده‌اند؛ کسانی چون خالد بن ولید، عمرو بن عاص، عثمان بن طلحه، عمر بن خطاب، ابوهریره و... . خالد بن ولید، عمرو بن العاص و عثمان بن طلحه پس از هجرت مسلمانان به مدینه و جنگ احزاب اسلام آوردند. ابن اثیر سبب اسلام آنان را به تفصیل و حتی از قول عمرو بن عاص بیان نموده است. (ابن اثیر، ۱۳۷۱، ج ۷، ص ۲۶۹) براساس منابع تاریخی و روایی، عمر بعد از مهاجرت مسلمانان به حبشه اسلام آورد و سبب اسلام آوردن او را بیان نموده‌اند. (احمد بن محمد بن حنبل، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۳۴۱)

- ابن اثیر، ۱۳۷۱، ج ۷، ص ۹۴ - طبری، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۸۷۸ - الحسین مسعودی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۶۷۸) ابن اسحاق در مورد رفتار او با مسلمانان، می‌گوید: «عمر از سخت‌گیرترین اشخاص بر مسلمانان بود». (محمد بن اسحاق، سیرت رسول الله، ج ۱، ص ۳۴۵) هنگامی که عمر مسلمان شد مسلمانان چهل و چند مرد و یازده زن بودند. (بیهقی، ۱۳۶۱، ج ۲، ص ۲۰۵) اسلام ابوهریره نیز در زمان فتح خیبر (هفتم هجری) بود. (مقدسی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۸۰۳) این در حالی است که او خود را از اصحاب صغه دانسته است؟! (واقعی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۴۱) لذا اینان جزء سابقین محسوب نمی‌شوند.

به تصریح قرآن، ایمان بالاتر از اسلام است و در پاسخ کسانی که مدعی ایمان بودند، می‌فرماید: «برخی از بادیه نشینان گفتند: ایمان آوردیم. بگو ایمان نیآورده‌اید. لیکن بگوئید: اسلام آوردیم و ایمان هنوز در دل‌هایتان وارد نشده است». (سوره حجرات/ ۱۴) منظور از ایمان در این آیه، اظهار زبانی، اعتقاد قلبی و عمل به دستورات شریعت است. (ابن بابویه قمی، ۱۳۸۱، ص ۱۷۷) خداوند به چهار ویژگی مؤمنین حقیقی که در دعوی ایمان صادقانه اشاره فرموده است. (سوره بقره/ ۱۷۷ موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۶۴۹) و در مورد خصوصیات مؤمنان حقیقی که تسلیم محض پیامبر ۹ هستند، سه چیز نشانه ایمان راستین ذکر شده است؛ پیامبر ۹ را در همه اختلافات به داوری طلبیدن، ناراحت نشدن از حکم او و اجرای کامل فرمانش. (سوره نساء/ ۶۵ قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی، ۱۳۸۹، ص ۸۸) در کتب سنن و صحاح اهل سنت و کتب اربعه، روایات زیادی در این رابطه بیان شده است؛ از جمله امام صادق علیه‌السلام در روایت مفصلی اصحاب پیامبر ۹ را که در آن دوران پر خطر ایمان آوردند و اسلام را پایه گذاری و از آن پاسداری نمودند، برتر از دیگران دانسته‌اند. امام در بخشی از روایت فرمود: «خدا میان مؤمنین مسابقه قرار داد، چنان که میان اسبان، در روز اسب دوانی مسابقه گذارند و آنان را به حسب درجات سبقت فضیلت بخشید و هر یک از مؤمنین را طبق درجه سبقتش قرار داد و حق او را از آن درجه نکاست و...»، این سبقت جویان، کسانی اند که صعوبت و

مشقت بسیاری را برای ایمان آوردن و حفظ آن تحمل کردند، از این جهت که تعدادشان اندک بود و در حال تقیه به سر می‌بردند. همچنین در مقابل آزار مشرکان صبر بسیار نمودند. بی تردید اگر ایستادگی و مقاومت آنان نبود، اسلام تا امروز پا برجا نمی‌ماند. (کلینی رازی، ۱۳۴۸، ج ۳، ص ۶۷) همچنین در صحیح مسلم آمده که: «سعد می‌گوید: پیامبر ۹ به گروهی برخورد کرد که من هم جزء آنان بودم و به هر کدام عطایی نمود فقط یک نفر را عطا نکرد. به پیامبر ۹ عرض کردم فلانی را می‌شناسم، انسان مؤمنی است. پیامبر ۹ فرمود مسلمان است. این را سه بار تکرار کردم اما پیامبر ۹ هر سه بار فرمود مسلمان است نه مؤمن». (القشیری النیشابوری، بی تا، الجزء الاول، ص ۱۳۲)

اسلام، ایمان و لوازم و آثارشان مانند زهد، تقوی، صدق و... و سبقت در آن‌ها، معیار و مبنایی برای ارزیابی و ملاکی برای فضیلتند؛ در مقابل، تأخیر در اسلام، عدم التزام و پایبندی به آن و سستی در عمل، ضد ارزش و دور از فضیلت به شمار می‌روند. (حیدری نسب، ۱۳۹۰، ص ۲۰۳) اثراتی که ایمان عمیق بر دل مؤمنان ایجاد نمود، در عملکرد آنان نیز آشکار شد مانند؛ حمایت و اطاعت از رسول خدا ۹، تحمل شکنجه و آزار مشرکان، کشته شدن در راه ایمان و اعتقاد، دست کشیدن از مال و جان و قبیله و خاندان و هجرت در راه خدا، کمک به هموعان و تقسیم اموال خود با آنان و

۲-۱ فضیلت ذوی القربی

آیات و روایات بسیاری از علمای عامه و خاصه، در شأن و منزلت خاندان پیامبر ۹ بیان شده است. آیه تطهیر پاکی خاندان رسالت و اراده خاص خداوند برای تطهیر ایشان را بیان می‌کند. (سوره احزاب / ۳۳) در صحیح مسلم و فضائل الصحابه ابن حنبل نیز این مطلب نقل شده است. (القشیری النیشابوری، بی تا، ج ۴، ص ۱۸۸۳ - احمد بن محمد بن حنبل، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۷۲۷) همچنین خداوند در آیه مودت خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله را دارای مقام والا و ممتازی دانسته و فرموده است: «بگو در عوض رسالت از شما

پاداشی خواستار نیستم مگر دوستی درباره خویشاوندانم». (شوری/۲۳) از ابن عباس نقل شده که: وقتی این آیه نازل شد، اصحاب عرض کردند: ای رسول خدا این‌ها کیستند که خداوند ما را به محبت آنان امر کرده است؟ فرمود: «علی، فاطمه و فرزندان آن دو». (آیه الله مکارم شیرازی، ص ۴۸۶) به گفته مسعودی «... پیغمبر، او (حضرت علی علیه‌السلام) را که در معرض تکلیف بود به اقتضای ظاهر «و انذر عشیرتک الاقربین» دعوت کرد و از علی آغاز کرد که از همه کسان بدو نزدیکتر بود و بهتر اطاعت می‌کرد». (مسعودی، ۱۳۷۴، ج ۱، صص ۶۳۳-۶۳۲) در صحیح مسلم نیز روایاتی در مورد فضایل اهل بیت پیامبر علیهم السلام نقل شده است، از جمله: «من از بین شما می‌روم در حالی که دو چیز گرانبها می‌گذارم؛ قرآن و اهل بیتم». (القشیری النیشابوری، بی تا، ج ۴، ص ۱۸۷۳) و در مورد حضرت علی علیه‌السلام، از سعد بن ابی وقاص روایت می‌کند: پیامبر ۹ به آن حضرت فرمود: «نسبت تو به من، نسبت هارون به موسی است مگر این که بعد از من پیامبری نیست». (القشیری النیشابوری، بی تا، ج ۴، ص ۱۸۷۰) و در مورد حضرت فاطمه علیها السلام، از عایشه نقل می‌کند: پیامبر ۹ فرمودند: «... بهترین سلف من تو هستی» و همچنین فرمودند: «فاطمه پاره تن من است هر کس او را بیازارد مرا آزار داده است». (القشیری النیشابوری، بی تا، ج ۴، ص ۱۹۰۳) ابن اثیر در فضیلت فرزندان بزرگوار حضرت فاطمه علیها السلام می‌گوید: «بدرستیکه حسن و حسین دو جوانان بهشت هستند». (ابن اثیر، ۱۴۰۱، ج ۱، ص ۳۱۱)

بنابراین، یکی از ارزش‌های جامعه اسلامی که در آیات و روایات به طور ویژه، به آن توجه و توصیه شده، ارزش و فضیلت نزدیکان پیامبر ۹ است؛ اما برخی صحابه از این امتیاز که ویژه نزدیکان خاص پیامبر ۹ بود، سوء استفاده نمودند. افرادی با ادعای تعلق داشتن به تبار پیامبر ۹ و به خاطر پیوندهای نسبی یا سببی که با آن حضرت داشتند، منزلت اجتماعی خود را ارتقا داده و جایگاه ویژه‌ای پیدا کردند، لذا در تحولات جامعه،

تأثیرگذار بودند تا جایی که حتی در مورد نزدیکان رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز رأی خود را اعمال می‌کردند.

۳-۱ هجرت

اسلام برای محقق کردن اهداف دینی و برای نهادینه نمودن آموزه‌های آن، بر مسئله هجرت تأکید می‌نماید. هجرت در حقیقت کنده شدن از تمام تعلقات و وابستگی‌ها است. اگر چه مسلمانان از نظر اعتقادی متحول شده بودند ولی از آن جا که در معرض فشار ناسازگاری‌های اجتماعی قرار داشتند و مشرکان مکه مسلمانان را آزار می‌دادند، به امر خداوند در دومین سال آشکار شدن دعوت (پنجم بعثت) به دستور پیامبر ۹ عده‌ای از آنان به حبشه هجرت کردند. (ابن هشام، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۹۹- ابن اثیر، ۱۳۷۱، ج ۷، صص ۸۷-۸۳- واقدی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۱۹۰) در سال سیزدهم، پیامبر ۹ به مسلمانان فرمودند: «خدای عز و جل برای شما برادری کمک کار و خانه‌های امنی (در مدینه) قرار داده است». به دنبال این دستور، دسته دسته به سوی مدینه مهاجرت کردند و حضرت منتظر فرمان الهی در مکه ماند. (ابن هشام، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۳۰۴ - طبری، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۸۹۴). هجرت مسلمانان به سرزمین اسلامی تا قبل از فتح مکه، امری بسیار مهم و یکی از واجبات بود. بی شک هنگامی که امر تشریح و وجوب یک مسئله بیان می‌شود، هر مسلمانی برای این که بر اسلام و ایمان خود پایبند باشد، اطاعت از آن امر را ضروری و لازم الاجرا می‌داند. قرآن کریم در مورد فضیلت، اهمیت و هدف هجرت و پاداش هجرت کنندگان آیاتی بیان نموده است. از جمله در سوره حج آیه ۵۸ بیان می‌فرماید: کسانی که در راه خدا قدم برمی‌دارند مؤمنان واقعی هستند، زیرا با هجرت کردن و کمک به مسلمانان و جدا شدن از خویشاوندان و اموال خود به خاطر دین خدا، ایمان حقیقی خود را ثابت کردند. (سوره انفال/ ۷۴ ترجمه جوامع الجامع، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۵۰۶)

براساس آیات و روایات، پاداشی که خداوند برای هجرت و حفظ ایمان، مقرر نموده است، نشانه منقبت و فضیلت مهاجرانی است که مشقت‌های هجرت را به جان می‌پذیرند. هجرت مسلمانان از مکه به مدینه، سبب تشکیل جامعه اسلامی، تقویت اسلام در مقابل کفر، حمایت از همکیشان و برادران مؤمن و مسلمان و در نهایت ایجاد وحدت و همبستگی میان آنان گردید که این موضوع بیانگر اهمیت آن است. البته بعد از فتح مکه و اسلام بسیاری از مشرکین و قرار گرفتن آنان زیر پرچم اسلام، این مانع برطرف شد. صحیح مسلم به نقل از عایشه می‌گوید: از پیامبر ۹ در مورد هجرت سؤال شد، پیامبر ۹ فرمود: «بعد از فتح مکه هجرتی وجود ندارد و لکن جهاد و نیت خیر را تحصیل کنید».

(القشیری النیشابوری، بی تا، ج ۳، ص ۱۴۸۷)

۴-۱ جهاد و شهادت

جهاد برای حفظ اسلام و موجودیت مسلمانان و حفظ مجد و عظمت و افتخارات آنان از واجبات دینی شمرده می‌شود. کوشش در جهت اعتلای ارزش‌های اسلام در همه زمینه‌ها، ستودنی و شایسته پاداش است اما از نظر قرآن، برخی تلاش‌ها اجر بیشتر و نیکوتری نزد خداوند دارد که مهمترین آن‌ها، گذشتن از مال و جان خود در راه خداست: «مؤمنان خانه نشین که زیان دیده نیستند با مجاهدانی که با مال و جان خود در راه خدا جهاد کردند، مساوی نیستند. خداوند مجاهدانی را که بامال و جان خود جهاد کردند بر خانه نشینان امتیاز بخشیده و همه را وعده نیکو داده است ولی مجاهدان را بر خانه نشینان به پاداشی بزرگ برتری داده است». (سوره نساء/۹۵) این اجر عظیم به جهت ارزش جهاد در راه خداست که ذروه الاسلام (قله اسلام) نامیده شده است و مجاهدان در ردیف اولیای الهی دانسته شده‌اند. مقامات ارجمندی در بهشت برای کشته شدگان در این راه اختصاص داده شده و قرآن مجید از آنان تجلیل و تمجید بسیار نموده است که بیانگر ارزش و برتری آنان نزد خداست. (سوره آل عمران/۱۷۱-۱۶۹ - سوره توبه/۱۱۱) برخی روایات نیز بیانگر مقام مجاهدان است. پیامبر ۹ در شأن آنان فرمودند: «بترسید از اذیت

کردن مجاهدین، زیرا خدا از غضب آنان به غضب می‌آید، همان طور که از غضب پیامبرانش به غضب می‌آید و دعای آنان را مستجاب می‌کند، همان طور که دعای پیامبرانش را مستجاب می‌کند». (ابن اثیر، ۱۴۰۱، ج ۱، ص ۲۹۳) پرسیده شد چه کسی از مردم افضل تر است؟ فرمودند: «کسی که با جان و مالش در راه خدا مجاهدت می‌کند». (الحرّانی، ۱۳۸۰، ص ۳۱۶۰) در مورد فضیلت جهاد در صحیح مسلم آمده است: «ابوهریره از قول پیامبر اکرم ۹ می‌گوید: خداوند ضمانت کرده است بهشت را بر کسی که در راه خدا جهاد می‌کند». (ابولحسین مسلم بن الحجاج القشیری النیشابوری، ج ۳، ص ۱۴۹۵) و همچنین آورده که فرمود: «قسم به آن خدایی که جانم در دست اوست، هر آینه دوست دارم در راه خدا کشته شوم سپس زنده شوم و بجنگم و باز کشته شوم در راه خدا و باز زنده شوم و بجنگم و باز کشته شوم». (ابولحسین مسلم بن الحجاج القشیری النیشابوری، ج ۳، ص ۱۴۹۷) این مطلب بیانگر فضیلت جهاد و کشته شدن در راه خداست. در روایتی دیگر نقل می‌کند: «جهاد در راه خدا، صد درجه در بهشت پاداش اوست که فاصله بین هر درجه، از زمین تا آسمان است». (ابولحسین مسلم بن الحجاج القشیری النیشابوری، ج ۳، ص ۱۵۰۱) و نیز روایت کرده است که: «شخصی از پیامبر اکرم ۹ سؤال کرد: آیا شما کفار گناهان مرا تقبل می‌کنید اگر در راه خدا کشته شوم؟ حضرت فرمود: بله مگر دین (حق الناس) را که این مطلب را جبرائیل برای من گفت». (ابولحسین مسلم بن الحجاج القشیری النیشابوری، ج ۳، ص ۱۵۰۱) لذا در آیات و روایات، جهادگران و شهیدان در این راه مشمول فضل الهی دانسته شده‌اند که اجرشان نزد خداوند ضایع نمی‌شود.

نتیجه جهاد با کفار و منافقین و مشرکین سبب خواهد شد تا جامعه هم به سوی پرستش خدای یکتا پیش رود و شرک و بت پرستی در آن ریشه کن شود و هم از فتنه و آشوب در امان باشد و هم جامعه به سمت عدالت سوق داده شود و زور و ستم برچیده گردد. (سوره بقره / ۱۹۳) بدین ترتیب در آیات و روایات، فضیلت جهادگران و کشته شدگان در این راه و پاداش آنان و برتری مقام و جایگاهشان نزد خداوند و همچنین

اهمیت و نتایج مثبت و کارساز بودن جهاد فی سبیل الله در جامعه اسلامی بیان شده است. مسلماً برای تحقق بخشیدن به چنین نتایجی، کسانی مقدم‌اند که سابقه و خلوص بیشتری داشته‌اند.

۶-۱ علم و آگاهی و ارزش عالم

فضیلت علم مانند روشنی آفتاب، آشکار و از غبار شک و شبهه پیراسته است. (ابن طقطقی، ۱۳۶۰، ص ۲) برای شناخت میزان ارزش علم - در میان اعراب و در زمان ظهور اسلام - کافی است که بدانیم: «هنگام ظهور اسلام در قریش هفده مرد می‌توانستند خط بنویسند». (بلاذری، ۱۳۳۷، ص ۶۵۶) و «کاتبان عربی در اوس و خزرج اندک بودند. برخی از یهودان در مدینه کتابت تعلیم می‌دادند و در زمان‌های نخست، کودکان مدینه آن را می‌آموختند». (بلاذری، ۱۳۳۷، ص ۶۵۹) با طلوع ستاره اسلام از جمله ارزش‌هایی که قابل توجه و مورد تأیید جامعه اسلامی بود، داشتن آگاهی و معرفت می‌باشد. پیامبر اکرم ۹ در حدیث معروفی در باب اهمیت تحصیل علم که به سندهای مختلف از شیعه و سنی نقل شده است، فرمودند: «جستجو و تحصیل علم بر هر مسلمانی، فرض و واجب است». (ابن اثیر، ۱۴۰۱، ج ۶، ص ۳۸۱ - المقریزی، ۱۴۲۰، ج ۹، ص ۱۹۹) و در حدیث دیگری فرمودند: «علم را از تولد تا زمان مرگ، جستجو و تحصیل کنید». (التیمی السمعانی، ۱۳۸۲، ج ۸، ص ۳۶۸) این احادیث را شهید مطهری، بررسی نموده است و انجام سایر فرائض فردی و اجتماعی اسلام را به فریضه علم وابسته می‌داند و آن را کلیدی برای انجام سایر فرائض اسلامی شناخته است (مطهری، ۱۳۶۸، ص ۱۷۰) و تأکید می‌کند: «اسلام آن چنان دینی است که در محیط علم بهتر از محیط جهل رشد می‌کند». (مطهری، ۱۳۶۸، ص ۱۷۰)

ایمان و علم به جهت اهمیت هر دو مقوله، گاه در کنار یکدیگر آورده شده است: «ایمان و علم را حفظ کنید و برگردید بسوی اهلتان و به آنان آموزش دهید». (البخاری،

۱۳۱۴ هـ، الجزء الاول، ص ۲۵) و فرمودند: «کسی که خداوند خیرش را بخواهد، او را فقیه، فهیم و عالم در دینش می‌کند». (البخاری، ۱۳۱۴ هـ، الجزء الاول، ص ۲۰) همچنین، پیامبر اکرم ۹ در پاسخ به سؤال شمعون بن لاوی بن یهودا درباره نشانه دانش فرمودند: «نشانه دانش چهار چیز است: معرفت نسبت به خدا، شناخت دوستان او، دانستن فرائض او و نگهداری از آن‌ها تا این که همه انجام شود.» (الحرانی، ۱۳۸۰، ص ۲۰) به سفارش رسول خدا ۹ برخی صحابه تلاش بسیاری در جهت کسب علم از محضر آن حضرت و نشر علوم انجام دادند و آموزه‌های خود را مکتوب و حفظ کردند. حضرت علی علیه‌السلام سرآمدان بود. پیامبر اکرم ۹ به ایشان فرمودند: «فقری سخت‌تر از نادانی نیست... و آفت دانش فراموشی است.» (الحرانی، ۱۳۸۰، ص ۱۱) برخی روایات نیز در مورد ثواب و صفات جویندگان دانش بیان شده است که حاکی از ارزش علم و عالمان در جامعه اسلامی است. (کلینی رازی، ۱۳۴۸، ج ۱، ص ۴۲ - ابن طقطقی، ۱۳۶۰، ص ۲) و ده خصلت برای آنان برشمرده شده است. (الحرانی، ۱۳۸۰، ص ۲۹) و فرمودند: «علم را بنوشتن مهار کنید.» (مسعودی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۶۵۰) بخاری نیز آورده است: «به علی ۷ گفتم آیا کتابی نزد شما هست؟ گفت: نه فقط کتاب خدا یا آن چه که شخص مسلمان می‌فهمد یا آن چه در این صحیفه (مطالب دست نویس) است. گفتم چه چیزی در این صحیفه است؟ گفت: عقل و آزادی اسیر و کشته نشدن مسلمان بدست کافر.» (البخاری، ۱۳۱۴ هـ، جزء اول، ص ۲۹)

بدین ترتیب بر اساس آیات و روایات، یکی دیگر از ارزش‌ها در جامعه اسلامی، علم و مقام عالمان است. اسلام برای تحصیل دانش و نشر آن در جامعه تأکید بسیار نموده است. در مکتب اسلام، علم آموزی و ارج و منزلت عالمان، از جمله ارزش‌های معنوی است که نقش مهمی در ایجاد فرهنگ اسلامی بر پایه اصول دینی دارد و دانش از فضایل مؤمنان چنین جامعه‌ای به حساب می‌آید.

این موارد مؤلفه‌هایی بود که از نگاه این مقاله ملاک‌های سنجش و ارزش یابی افراد محسوب می‌شدند. صحابه پیامبر بر اساس موارد پیش گفته چنان پایگاه و جایگاه رفیعی به دست آوردند که بعد از پیامبر به مرجعی برای اخذ دین و سیره پیامبر تبدیل شدند.

۲. عملکرد صحابه در اطاعت و حمایت از پیامبر ۹

پیامبر ۹ سیزده سال در مکه، تحول بزرگ فکری و فرهنگی به وجود آوردند و توجه ویژه‌ای به مسائل معنوی انسان، یعنی فردسازی و نخبه پروری نمودند. افرادی تربیت شدند که توانستند به عنوان نخبگان در تغییرات زیربنایی جامعه مؤثر باشند، به گونه‌ای که پیامبر ۹ را در محکم کردن پایه‌های دین و فرهنگ نوین اسلام، یاری کردند. زمانی که قریش دیدند پیامبر ۹ از سوی عمو و عشیره‌اش حمایت می‌شود و از تسلیم او سرباز می‌زنند، تصمیم گرفتند او را به جادوگری، کهانت، جنون و شاعری متهم و دیگران را از گرویدن به اسلام باز دارند و هر کسی را که بیم داشتند با شنیدن سخنان حضرت مسلمان شود از دیدنش باز دارند. (طبری، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۸۷۴ - ابن خلدون، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۳۹۶) پس از ناکامی در قانع کردن ابوطالب در تسلیم پیامبر ۹، هر یک از قبایل به شکنجه مسلمانان قبیله خود پرداختند تا از دینشان دست بردارند. (طبری، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۸۷۱) مردمی که تا این زمان غرق در افکار جاهلی بوده و همه چیز را برای خود و خانواده و نهایتاً برای قبیله خود می‌خواستند و برای رسیدن به وسایل اولیه زندگی با یکدیگر دشمنی می‌کردند و همدیگر را می‌کشتند، در پناه اسلام و در سایه رهنمودهای پیامبر ۹، تحول پیدا کردند و حتی حاضر بودند جان خود را در این راه بدهند. مقاومت و تلاش آنان، نقش مهمی در پیشرفت اسلام داشت. در مدت ده سال در مدینه نیز با توجه به دستورات قرآن کریم و روایات، تغییرات اساسی در اخلاق و آداب اجتماعی صحابه ایجاد شد و ساختن جامعه مورد اهتمام ویژه قرار گرفت. جامعه‌ای تشکیل گردید که در آن به کلی‌ترین مسائل (جهان بینی و جهان شناختی) تا جزئی‌ترین رفتارها، توجه شد. این تحول با

هجرت پیامبر ۹ و مسلمانان ممکن شد که نقطه عطفی در شکل‌گیری پایه‌های جامعه اسلامی محسوب می‌شود.

بدون شک اولین کسانی که از همان روزهای آغاز دعوت، با جان و دل در کنار پیامبر ۹ قرار گرفتند و تأثیر بسزایی در زمینه تبیین هویت انسان در فرهنگ اسلامی داشتند صحابه بودند لذا برای شناخت بهتر نقش مثبت صحابه در تثبیت این موضوع، نقش آنان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۲- تحمل شکنجه و آزار مشرکان

پس از آن که افراد قبایل مأمور شدند، میان قبیله خود هر کس را به دین اسلام درآمد، آزار دهند تا از دین خود دست بردارند، انواع زجرها را نسبت به آنان روا داشتند و آن قدر شکنجه دادند تا از دین خود دست بردارند. در این میان برخی بواسطه کثرت صدمات وارده از دین خود بی‌زاری جستند و بعضی هم استقامت ورزیدند و هر گونه آزاری را بر خود هموار کردند ولی دست از دین خود برنداشتند. (ابن هشام، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۹۶) بی‌هقی می‌گوید: «بر تن آنان زره سنگین پوشانده و در آفتاب نگه می‌داشتند، همه آنان خواه ناخواه تسلیم اراده کفار می‌شدند و به ظاهر آن چه می‌خواستند می‌گفتند به جز بلال که در راه خدا نفس خود را خوار ساخت و کافران او را بدست کودکان سپردند و آنان او را در دره‌های مکه می‌گرداندند و او همی می‌گفت، یکی، یکی». (بی‌هقی، ۱۳۶۱، ج ۲، ص ۴۵) به گفته ابن هشام، امیه بن خلف از دشمنان سرسخت رسول خدا صلی الله علیه و آله روزها هنگام ظهر او را از خانه بیرون می‌آورد و روی ریگ‌های داغ مکه می‌خواباند و سنگ بزرگی روی سینه‌اش می‌گذاشت و می‌گفت: «به خدا به همین حال خواهی بود تا بمیری و یا دست از خدای محمد برداشته، لات و عزی را پرستش کنی!» روزی ورقه بن نوفل (عموی حضرت خدیجه) بر او گذشت و بلال را دید که زیر شکنجه أحد أحد می‌گوید. ورقه نیز گفت: أحد أحد. به خدا ای بلال خدا یکی است و به امیه بن خلف و

سایر افراد قبیله بنی جمح که او را شکنجه می دادند گفت: «به خدا سوگند اگر او را بدین حال بکشید من قبرش را زیارتگاه مقدسی قرار خواهم داد که بدان تبرک جویم». (ابن هشام، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۹۶) عمار و پدر و مادرش هم توسط بنی مخزوم (از جمله ابوجهل) در هوای گرم روی ریگ‌های داغ، به انواع شکنجه‌ها مبتلا می شدند. سمیه در این راه جان سپرد. عمار و پدرش یاسر هم چنان بردباری می کردند. گاهی پیامبر ۹ از کنارشان می گذشت و با این جملات آنان را دلداری می دادند: «ای خاندان یاسر بردباری پیشه کنید که منزلگاه شما بهشت است». (ابن هشام، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۹۷- بیهقی، ۱۳۶۱، ج ۲، ص ۴۵) سمیه با نیزه‌یی که ابو جهل بر قلبش زد، نخستین شهید اسلام است. (بیهقی، ۱۳۶۱، ج ۲، ص ۴۶)

۲-۲- صبر در برابر ملامت و سرزنش مشرکان

ابوجهل با جمعی از قریش کارشان این بود که ببینند چه کسی مسلمان شده است، اگر مرد محترم و عشیره داری بود، او را سرزنش و ملامت می کردند و می گفتند: «دین پدرت را با این که بهتر از این دین بود رها ساخته‌ای، بدان که ما تو را در نزد مردم به بی خردی معرفی خواهیم کرد و رأی و اندیشه‌ات را به خطا و زشتی نسبت داده و از قدر و شوکتت خواهیم کاست» و اگر مرد تاجری مسلمان می شد به او می گفتند: «به خدا بازاریت را کساد خواهیم کرد و تو را به ورشکستگی می کشانیم» و اگر از فقرا بود او را می زدند و به انواع صدمات دچار می ساختند. (ابن هشام، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۹۸)

۲-۳- قرائت آتسکار آیات وحی علیرغم مخاطرات فراوان

یاران پیامبر ۹ تصمیم گرفتند قرآن را به گوش قریشی‌ها برسانند، عبد الله بن مسعود داوطلب شد. به او گفتند: «بیم داریم که به تو آسیب برسانند، می خواهیم مردی به این کار قیام کند که عشیره‌ای داشته باشد که از او حمایت کنند». گفت: «بگذارید بروم که خدا از من حمایت می کند». در مقام ابراهیم زمانی که قریش در مجالس خود بودند، با صدای

بلند سوره الرحمن را قرائت کرد. قریش گوش دادند وقتی فهمیدند قرآن می‌خواند، او را سیلی زدند و او همچنان می‌خواند. عاقبت با چهره‌ای خونین نزد یارانش برگشت. گفتند: «بیم داشتیم که با تو چنین کنند». (طبری، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۸۷۸)

۲-۴- هجرت

زمانی که به خاطر فشار مشرکان کارها روز بروز بر مسلمانان سخت‌تر می‌شد، پیامبر^۹ که تاب دیدن آن مناظر رقت بار را نداشت و از طرفی نیروئی هم برای دفاع از نداشت، آنان را تشویق نمودند تا به سرزمین حبشه بروند. بدنبال این پیشنهاد، مسلمانان عازم حبشه شدند و اولین هجرت در اسلام به جرم پیروی از حق، صورت گرفت. (بیهقی، ۱۳۶۱، ج ۲، ص ۴۶، طبری، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۸۷۲-مقدسی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۶۵۴- ابن خلدون، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۳۹۵) آنان، در کمال امنیت بسر می‌بردند تا این که خبر رسید مشرکین مکه همه مسلمان شده‌اند، این شایعه دروغ موجب شد که جمعی از مهاجرین به دیار خود برگردند. نزدیک شهر مکه متوجه شدند این خبر دروغ می‌باشد، لذا برخی ناچار شدند مخفیانه و جمعی نیز در پناه و حمایت بزرگان قریش وارد شهر گردند. (ابن هشام، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۳۲)

پس از بیعت مجدد انصار در عقبه دوم، قریش تلاش بیشتری کرد تا مسلمانان را از دین خود بازگرداند. قرآن کریم چگونگی مورد ستم واقع شدن آنان را توسط مشرکین و مظلومیت مؤمنین را بیان می‌کند: «همانان که از خانه و شهر خود، به ناحق رانده شدند، جز این که می‌گفتند: پروردگار ما، خدای یکتاست». (سوره حج/۴۰) کفار بدون هیچ مجوزی آنان را از دیارشان بیرون کردند. آن‌هم نه این‌طور که دستشان را بگیرند و از خانه و شهرشان بیرون کنند، بلکه آن‌قدر شکنجه کردند، تا ناگزیر شدند با پای خود شهر و زندگی را رها کرده و به دیار غربت بروند و از اموال و هستی خود چشم‌پوشند و به تنگدستی گرفتار شوند. (موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۵۴۳) وضع بسیار دشواری که

آن را «فتنه واپسین» گفته‌اند. فتنه نخستین قبل از مهاجرت حبشه بود و این فتنه آخرین محسوب می‌شد که به مدینه هجرت کردند و مشقت‌های این سفر را برای پابرجا ماندن اسلام تحمل نمودند. پیامبر ۹ نیز، درحالی که عمر شریفش پنجاه‌وسه سال بود، به دنبال هجرت صحابه، از مکه هجرت کرده و پس از پانزده روز، ظهر روز دوازدهم ربیع‌الاول وارد مدینه شدند. (بلعمی، ۱۳۷۳، ج ۳، ص ۷۱- یعقوبی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۳۹۹ - مقدسی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۶۷۵ - قاضی ابر قوه، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۴۵۹) نقش حضرت علی علیه‌السلام در این زمان بسیار برجسته است. (قاضی ابر قوه، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۴۷۳) آن حضرت پس از شب پرمخاطره ليله المبيت و رد امانت‌های مردم که نزد پیامبر گذاشته بودند، در قبا به ایشان پیوست. (ابن خلدون، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۴۰۵)

۵-۲- تعلیم و تعلم معارف قرآن

از جمله مسائل مهم در تبیین هویت انسان در فرهنگ اسلام، جایگزین نمودن قرآن و معارف آن به جای افکار و عقاید خرافی توسط پیامبر ۹ بود. (بیهقی، ۱۳۶۱، ج ۲، ص ۱۷۷) نقش صحابه در یادگیری و حفظ و تعلیم و تبلیغ آیات قرآن نیز حائز اهمیت است.

۱-۵-۲- یادگیری و حفظ قرآن

یکی از نقش‌های مهمی که صحابه، پیش از هجرت بر عهده داشتند، حفظ و یادگیری آیات قرآن بود که بعد از هجرت چشمگیرتر شد. در این زمینه نقش صحابه نزدیک پیامبر ۹ و در رأس آنان حضرت علی علیه‌السلام، مورد توجه است. حضرت خود فرمودند: «به خدا سوگند هیچ آیه‌ای نازل نشده است مگر آن که بدانم در چه مورد و کجا و برای چه کسی نازل شده است. همانا پروردگار من مرا دلی اندیشمند و دوراندیش و زبانی رسا و سلیس عنایت فرموده است» و فرمودند: «در مورد کتاب خدا از من بپرسید، که هیچ آیه‌ای نیست مگر آن که بدانم به شب نازل شده است یا به روز و در دشت نازل شده است یا در کوه». (واقعی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۳۲۳)

بر اساس روایات تاریخی، پس از فتح مکه و به ویژه در عام الوفود (سال نهم هجری)، روند پیشرفت اسلام با یادگیری قرآن توسعه بیشتری یافت. لذا وفدهایی از مناطق دیگر، نزد پیامبر^۹ آمدند تا قرآن و احکام دین را بیاموزند؛ از جمله، وفد بنی عامر که ده نفر بودند، پس از آموختن شرایع اسلام و یادگیری قرائت قرآن به محل خود بازگشتند. وفد سلمان نیز که هفت نفر بودند از جانب قوم خود اسلام آوردند و با آموختن قرآن و فرائض بازگشتند. وفد حنیفه که مسیلمه بن حبیب معروف به کذاب نیز در زمره آنان بود، از ابی بن کعب، قرآن آموختند. (ابن خلدون، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۴۵۸)

۲-۵-۲- تعلیم قرآن و تبلیغ اسلام

پس از عقبه اول، پیامبر^۹ «مصعب بن عمیر» (و به گفته ابن خلدون، ابن مکتوم و مصعب) را برای تعلیم قرآن و تبلیغ دین همراه انصار به مدینه فرستاد. او در مدینه «قاری» لقب گرفت و در خانه اسعد بن زراره بود و با یاری هم اسلام را در مدینه منتشر کردند. مصعب آیاتی از قرآن برای سعد بن معاذ و اسید بن حضیر، رؤسای دو قبیله بنی عبد الاشهل و بنی ظفر تلاوت نمود. با اسلام آوردن آنان، همه انصار مسلمان شدند، مگر تیره‌ای از اوس که شاعرشان ابو قیس اصلت صیفی آنان را از مسلمان شدن بازداشت تا زمانی که پیامبر^۹ به مدینه مهاجرت کرد. (ابن اثیر، ۱۳۷۱، ج ۷، ص ۱۰۹- طبری، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۸۹۶- ابن هشام، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۸۲- واقدی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۰۵- بیهقی، ۱۳۶۱، ج ۲، ص ۱۲۶) بدین ترتیب در مناطق مختلف جزیره العرب، گسترش تعلیم قرآن توسط پیامبر^۹ و صحابه، سبب پیشرفت اسلام در مدینه و مناطق اطراف آن شد. پیامبر^۹ برای آموزش قرآن و توسعه اسلام، قاریانی را به مناطق دیگر فرستادند. از جمله عمرو بن حزم را به یمن فرستادند و امر کردند مردم را با قرآن آشنا نماید و آنان را از کارهای ناپسند نهی کند. سفارش کردند هیچ کس دست به قرآن نزند مگر طاهر باشد، و آنان را به سود و زیانشان آگاه کند. (ابن خلدون، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۴۵۷) بعد از فتح مکه معاذ بن جبل

را در مکه گذاشت تا به مردم علم دین و قرآن بیاموزد و عیاذ بن الجندی ازدی را برای تبلیغ به عمان فرستاد. (ابن خلدون، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۴۵۰) همچنین معاذ بن جبل را معلم مردم یمن و حضرموت نمودند. (ابن خلدون، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۴۶۴) او در یمن قرآن درس می‌داد و همواره از این شهر به آن شهر و از نزد این قوم به نزد آن قوم در گردش بود. (ابن خلدون، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۴۷۵)

۳-۵-۲- شهادت قاریان و مبلغان

پيامبر ۹ پس از جنگ احد به درخواست قبیله «عضل» و «قاره»، شش نفر را به منظور آموزش قرآن و تبلیغ اسلام نزد آنان فرستادند. در مسیر راه توسط «هذیل» به آنان حمله شد. یکی از آنان به نام «عاصم بن ثابت بن ابی الاقلح» و سه نفر از یاران او جنگیدند تا کشته شدند. آنان سر عاصم را جدا کردند تا به سلافه دختر سعد بن شهید بفروشند، او نذر کرده بود تا در کاسه سر او شراب بخورد، زیرا پسرش در روز احد به دست او کشته شده بود. دو نفر دیگر به نام‌های «خیب بن عدی» و «زید بن الدثنه» تسلیم شدند و در مکه به کسانی که اولیای آنان را در بدر کشته بودند فروخته شدند. آنان نیز این دو را مصلوب کردند و با تیر و نیزه زدند. (مقدسی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۶۹۶ - ابن خلدون، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۴۲۱ - ابن هشام، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۱۳۴) چهار ماه پس از جنگ احد، پيامبر ۹ به درخواست بنی عامر چهل نفر از اصحاب را که از برگزیدگان مسلمین و از اهل صفا بودند و روز دانه خرما می‌شکستند و شب قرآن تعلیم می‌دادند برای دعوت آنان به اسلام به نجد فرستادند. در بئر معونه، توسط عامر بن طفیل از سرکشان بنی عامر، با همدستی قبیله عصبیه، رعل و ذکوان از بنی سلیم، به جز عمرو بن امیه ضمیری، همه کشته شدند. (مقدسی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۶۹۷ - طبری، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۱۰۵۱ - ابن هشام، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۱۳۹) کعب بن زید زخم‌های زیادی برداشت ولی میان کشته‌ها افتاده و زنده بود و

به خیال این که کشته شده، رهایش کردند و او توانست خود را به مدینه برساند. کعب در جنگ خندق شهید شد.

۶-۲- اخلاق اسلامی و روابط اجتماعی

پیامبر^۹ در دور کردن اعراب از اخلاق و رفتار جاهلی تلاش نمود و آنان را به سوی اخلاق اسلامی هدایت فرمود. برخی داده‌های تاریخی حاکی از تغییر و تحول صحابه در زمینه فرهنگی و اجتماعی نسبت به زمان جاهلی است. این تغییر و تحول و چگونگی نقش مثبت صحابه در زمینه حمایت و اطاعت آنان از پیامبر^۹، بایان چند نمونه از تحول اخلاقی و رفتار اجتماعی مسلمانان به ویژه پس از هجرتشان به مدینه، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۶-۲- رأفت و همدلی و دوری از تفرقه

مسلمانان در کنار یکدیگر و با کمک و یاری آن حضرت، به تحقق هدف اولیه و اصلی اسلام، یعنی تشکیل جامعه اسلامی همت کردند. پس از هجرت، گروهی از یاران رسول خدا^۹، در مدینه نه خانه‌یی داشتند و نه خویشاوندی. شب‌ها در مسجد می‌خوابیدند و روزها از سایه آن استفاده می‌کردند. خداوند مردم را به پرداخت صدقه تحریض فرمود. پیامبر^۹ شب‌ها هنگام غذا خوردن آنان را صدا می‌زدند و گروهی را میان یاران خود تقسیم می‌کردند تا به آنان غذا بدهند و گروهی هم با خود حضرت غذا می‌خوردند. وضع به همین منوال بود تا این که خداوند متعال به آنان ثروت عنایت فرمود. (واقعی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۴۰) به گفته یعقوبی، انصار خانه‌ها و اموال خود را از مهاجران مکه دریغ نکردند و آنچه را که لازم بود در اختیارشان گذاشتند. (یعقوبی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۴۰۱)

۲-۶-۲- وفاداری و نوع دوستی

خداوند به مسلمانان توصیه فرمود به هموعان خود نیکی کنند و آنان را از ستم به یکدیگر بر حذر نمود: «خدا به عدالت و نیکی کردن و بخشش به خویشان فرمان می‌دهد و از کار بد و ناروا و ستمگری منع می‌کند». (سوره نساء آیه ۳۶) این آیه بر نیکی به خویشاوندان تأکید کرده و نمونه‌ای از جامع‌ترین تعلیمات اسلام در زمینه مسائل اجتماعی و انسانی و اخلاقی را بیان می‌کند. (موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ج ۴، صص ۴۸۰-۴۷۹ - ترجمه مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۶۰، ج ۱۴، ص ۳۵)

در میان اصحاب پیامبر^۹ کسانی بودند که وفاداری و نوع دوستی خود را به اثبات رساندند. چنان‌که عثمان بن مظعون زمانی که از حبشه برگشت، در پناه ولید بن مغیره وارد مکه شد و کسی او را آزار نمی‌داد ولی از آزار دیگر مسلمانان ناراحت می‌شد. او خود را از پناه ولید خارج کرد. در مشاجره‌ای که با لبید بن ربیع شاعر داشت، لبید سیلی محکمی بگوش عثمان زد و چشمش کیود شد. ولید بن مغیره با مشاهده این جریان به عثمان گفت: «اگر به چشم خود علاقه‌مند بودی از پناه محکمی که بودی خود را خارج نمی‌کردی! عثمان گفت: به خدا آن چشم سالم من نیز نیازمند همان مصیبتی است که آن دیگری در راه خدا بدان دچار شده است و من بحمد الله در پناه آن خدائی هستم که از تو قوی‌تر است! ولید گفت: اکنون نیز اگر بخواهی می‌توانی دوباره در پناه من درآیی؟ عثمان گفت: نه نیازی ندارم». (ابن هشام، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۴۰ - بیهقی، ۱۳۶۱، ج ۲، ص ۴۸) باتربیت معنوی پیامبر^۹، پس از هجرت نیز روحیه نوع دوستی بیش از گذشته میان مسلمانان خود را نشان داد. چنان‌که رسول خدا صلی الله علیه و آله روزی به اصحاب فرمود: «کیست که عیاش بن ابی ربیع و هشام بن عاصی را پیش ما بیاورد؟» (آنان اسیر مشرکان بودند)، ولید بن ولید آماده انجام این کار شد و به‌طور پنهانی وارد مکه شد، آنان را از جایی که سقف نداشت و به زنجیر بسته بودند، آزاد نمود، بر شتر خویش سوار کرد و

به مدینه آورد. او پیاده مهار شتر را می کشید لذا پایش مجروح شد. (ابن هشام، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۳۰۹)

۲-۷- مبارزه و مقابله با شرک و اعتقادات خرافی و بدعت‌ها

صحابه، در مبارزه و مقابله با شرک و کفر و کمرنگ کردن خرافات و افکار بی‌اساس، پیامبر^۹ را یاری کردند و نقش بسزایی در محو بسیاری از آن‌ها ایفا نمودند.

۱-۲-۷- کشتن برخی دشمنان سرسخت اسلام

پیامبر^۹ پس از هجرت، با گروه‌های مختلف، پیمان‌هایی مبنی بر همزیستی مسالمت‌آمیز منعقد نمودند تا مسلمانان و یهودیان و مشرکان مدینه به‌دوراز مخاصمه در کنار یکدیگر زندگی کنند، اما گاهی برخی مشرکان و یهودیان، پیمان خود با پیامبر^۹ را نادیده گرفته و حتی دیگران را بر ضد مسلمانان تحریک می‌کردند. کعب بن اشرف از قبیله طی و مادرش از یهودان بنی نضیر بود با شنیدن خبر کشته شدن بزرگان قریش در جنگ بدر گفت: «اینان اشراف عرب و ملوک آنان بودند، به خدا اگر محمد آنان را کشته باشد مرگ برای ما بهتر از زندگانی است.» با چهل سوار به مکه رفت و برای کشتگان بدر شعر سرود و گریه کرد. پس از بازگشت به مدینه نیز با اشعارش موجب آزار زنان مسلمان شد. پیامبر^۹ دستور کشتن او را دادند. محمد بن مسلمه باوجود خطر زیاد، داوطلب شد و با سلکان بن سلامه و جمعی دیگر فرمان پیامبر^۹ را اجرا نمود و حارث بن اوس در این ماجرا مجروح شد. (طبری، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۱۰۰۳- ابن هشام، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۷۹- بیهقی، ۱۳۶۱، ج ۲، ص ۳۴۱) پیامبر^۹ برای کشتن سلام بن ابی الحقیق (ابی رافع یهودی) یکی دیگر از دشمنان خدا، عبدالله بن عتیک را بر هشت نفر از خزرجیان امیر کرد و دستور دادند در این مأموریت از کشتن کودکان و زنان خودداری کنند. (ابن خلدون، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۴۱۷) ابن ابی الحقیق در کفر و عداوت همتای کعب بن اشرف بود و با او قرابت

داشت. پیامبر ۹ و یارانش را آزار می‌داد و دیگران را بر ضد آنان تحریض می‌کرد. (طبری، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۱۰۰۸)

۲-۷-۲- مقابله با مظاهر شرک‌آلود

بیشتر کسانی که در عقبه با رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌بیعت کردند، از جوانان مدینه بودند و بسیاری از پیرمردان قبائل مدینه به همان حال شرک و بت‌پرستی باقی بودند. از آن جمله عمرو بن جموح بود که یکی از بزرگان و اشراف قبیله بنی سلمه بود. جوان‌های مسلمان بنی سلمه که پسر عمرو بن جموح نیز در میان آنان بود، وقتی به مدینه بازگشتند، شب‌ها بت عمرو را در چاهی از نجاست می‌انداختند. او به دنبال بت خود گشته و آن را از میان کثافات بیرون آورده و تمیز می‌کرد و با خود می‌برد. این کار چند شب تکرار شد، تا بالاخره عمرو شمشیری به گردن او انداخت تا از خود دفاع کند. جوانان بنی سلمه شمشیر را از گردنش باز کردند و بجای آن سگ‌مرده‌ای را با ریسمان به گردنش بستند و در چاه دیگری انداختند. صبح عمرو، بت خود را با سگ‌مرده که وارونه در چاه افتاده بود، یافت و اشعاری را سرود: «به خدا سوگند اگر تو خدا بودی هرگز با این سگ‌مرده در یک ریسمان نبودی اکنون دانستم که تو خدا نیستی و تاکنون از روی سفاهت و نادانی تو را پرستش کردم سپاس خدای بزرگ و بخشنده ... را که به‌وسیله پیامبر خود احمد مرا نجات بخشید». (ابن هشام، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۲۹۵) بدین ترتیب صحابه پیامبر ۹ برای این که مشرکان را متوجه کنند تا از اعتقادات شرک‌آلود خود دست‌بردارند تلاش می‌نمودند.

پس از فتح مکه زمانی که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌وارد کعبه شد، در آنجا صورت‌هایی از فرشتگان و پیغمبران الهی، از جمله حضرت ابراهیم علیه‌السلام را دید که در دستش تیرهای «ازلام» بود. فرمودند: «خدا نابودشان کند، شیخ الانبیاء را به این صورت معرفی کرده‌اند، ابراهیم کجا و «ازلام»! ابراهیم نه یهودی بود نه نصرانی بلکه بدین

حنیف اسلام بود و از مشرکان نبود». به دستور حضرت تمام آن‌ها را محو کردند. رسول خدا صلی‌الله‌علیه و آله بلال را همراه خود داخل خانه کعبه برد تا اذان بگوید. (ابن هشام، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۲۷۶) پس از فتح مکه، هیئت‌هایی از مناطق مختلف نزد پیامبر ۹ می‌آمدند تا اسلام بیاورند، حضرت از آنان می‌خواست مظاهر شرک را نابود کنند یا افرادی به همین منظور فرستاده می‌شدند. (ابن هشام، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۳۴۷)

۳-۷-۲ - مقابله با خرافات و بدعت‌ها

پیامبر ۹ حضرت علی علیه‌السلام را به منظور توسعه و تحکیم اسلام در یمن به آنجا فرستادند. (مسعودی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۶۴۵) معاذ بن جبل - یکی از هفتاد نفری که در بیعت عقبه شرکت داشت - را به یمن فرستادند و به او فرمودند: «آثار جاهلیت و افکار و عقاید خرافی را از میان مردم نابود کن و سنن اسلام را که همان دعوت به تفکر و تعقل است، زنده نما». (الحرانی، ۱۳۸۰، ص ۲۶ - ابن هشام، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۴۱۲) و بعد از فتح مکه او را برای آموزش قرآن و فقه و مسائل دینی به مردم مکه، مأمور کرد. (واقعی، ۱۳۶۹، ص ۷۲۹) حضرت علی علیه‌السلام نام برخی از صحابه‌ای که با اخلاص پیامبر ۹ را در این امور یاری نمودند یاد کرده‌اند: «...کجایند برادران من که در راه حق سوار شده و به راستی و درستی گذشتند، کجا است عمار (ابن یاسر که در سن بیش از نودسالگی در صفین شهید شد) و کجا است (ابو الهیثم مالک) ابن تیبهان و کجا است ذوالشهادتین و کجایند برادران دیگر آنان که برای مرگ باهم پیمان بستند، پس از این که کشته شدند سنگدلان سرهای آنان را از تن جدا ساخته، نزد بزهکاران فرستادند... درد و دریغا بر برادران من که قرآن را خواندند و آن را استوار نمودند و در آنچه واجب بود اندیشه کردند و آن‌ها را اجرا فرمودند، سنت را زنده کردند و بدعت را کشتند، هنگامی که برای جهاد خوانده شدند بی‌درنگ پذیرفتند و به پیشوای خویش اعتماد کردند و همه‌جا در پی او رفتند...».

(سید رضی، ۱۳۷۸، خ ۱۸۲، ص ۲۰۲) در این کلام، از صحابه‌ای نام برده شد که با تمام

توان و ایمان راستین، برای مقابله با افکار جاهلی جان خود را فدا نمودند. نکته دیگر این که برخی از صحابه حتی پس از پیامبر ۹، سنت‌های فراموش شده و احیاناً دگرگون شده را دوباره احیا کردند و از دادن جان خود در این راه دریغ نورزیدند.

در مقابل این عملکرد مثبت، دسته دیگری هم بودند که تحول و تغییر آن‌ها چندان عمیق نبود، درحالی که این دسته هم مانند دیگران عنوان صحابه داشتند و عمل آنان مصداق سنت سلف صالح پذیرفته شده بود، عملکرد آنان، سنخیتی با سنت و سیره پیامبر ۹ نداشت.

نتیجه‌گیری

بررسی نقش صحابه پیامبر ۹ در زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی، روشن می‌نماید؛ صحابه به‌عنوان کارگزاران و نخبگان جامعه به خاطر نفوذ بر دیگر افراد توانستند تغییرات بسیاری در جامعه به وجود آورند و از راه‌های مختلف، در کنش تاریخی تأثیرگذار باشند لذا نقش مهمی در تحولات جامعه داشتند. علاوه بر حضور و تأثیر صحابه در تصمیم‌گیری‌ها، آنان با نوعی الگوسازی، نفوذ خود را اعمال نمودند. در حقیقت این نخبگان، سمبل‌های زنده‌ای از طرز تفکر و نحوه عمل بودند که بر دیگران نفوذ داشتند.

در این پژوهش، هم به نقش مثبت صحابه که در جهت تعالیم اسلام قرار داشت و هم به نقش منفی آنان توجه شده است. بررسی نقش مثبت صحابه در زمینه فرهنگی و اجتماعی این نتیجه را دربر دارد که فرایند تحول در مرجع ارزشی و فرهنگ‌سازی با پذیرش اسلام و ایمان به خدا و با تکیه بر دیگر شاخصه‌ها و ارزش‌های مورد تأیید اسلام، در مسیری که اسلام به پویندگان راه حقیقت نشان داد، توسط رسول خدا ۹ و صحابه ایجاد شد. مبارزه و برخورد اسلام با تفکرات بی‌منطق و خرافی و اخلاق ناپسند فردی و اجتماعی، زمینه‌ساز شکل‌گیری جامعه اسلامی بر اساس ارزش‌های مورد تأیید قرآن و

تقویت اصول اسلامی و فراگیری دین اسلام شد. این مسئله تأثیر بسزایی در ایجاد جامعه ایمانی و پایندی مسلمانان به دستورات دین داشت.

طبق آیات و روایات، سبقت در اسلام و ایمان، هجرت و جهاد در راه خدا و نیز علم و معرفت و ارزش عالم، به عنوان ملاک‌های ارزش‌گذاری، برای دارندگان آن، شناخته می‌شود. این عوامل تأثیر بسیاری در گسترش اسلام داشته است. در حقیقت اسلام با برجسته نمودن این ارزش‌ها و معیارهای الهی و انسانی، افراد زیادی را تربیت نمود. کسانی که با اسلام و ایمان خود پیامبر ۹ را در پایه‌گذاری و شکل‌گیری و استحکام جامعه اسلامی یاری نمودند؛ نقش زیادی در تحولات جامعه ایفا کردند.

مسلمانان پیشگام با همراهی و پشتیبانی پیامبر اکرم ۹ و هجرت از سرزمین کفر و شرک و جهاد در راه خدا، هم در میدان پیکار با مشرکان و کفار و هم در صحنه علم و عمل، با بسیاری از بدعت‌ها و خرافات و ارزش‌های غیراخلاقی، مقابله نمودند و جامعه‌ای با فرهنگ اسلامی بنیان نهادند. فرهنگ غنی اسلام موجب شد تا فرهنگ جاهلیت در مسیر دگرگونی قرار گرفته و به سرعت متحول گردد و جامعه‌ای معنوی و الهی بر مبنای عقیده و ایمان، با معیارهای اسلامی تشکیل شود. این تحول فرهنگی منجر به ایجاد تحولات بسیار از جمله در زمینه اجتماعی شد.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم، (۱۳۸۹)، ترجمه آیه الله مکارم شیرازی، قم: انتشارات آل طه، چ اول.
۲. سبحانی، جعفر، (۱۳۷۶) فرازهایی از تاریخ اسلام، تهران: نشر معشر، چ ۷.
۳. ابن طقطقی، محمد بن علی بن طباطبا، (۱۳۶۰)، تاریخ فخری، ترجمه محمد وحید گلیپایگانی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چ ۲.
۴. ابن هشام، (۱۳۷۵)، زندگانی محمد ۹ پیامبر اسلام، ترجمه سید هاشم رسولی، تهران: انتشارات کتابچی، چ ۵.
۵. ابن حنبل، احمد بن محمد، (۱۴۲۰)، فضائل الصحابه، ریاض: نشر دار ابن جوزی، ط. ثانی.
۶. ابن واضح یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، (۱۳۷۴)، تاریخ یعقوبی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چ ۷.
۷. البخاری، ابی عبدالله، (۱۳۱۴ ق)، الصحيح، النسخه الامیریه، مصر: النشر عبدالحمید احمد حنفی.
۸. بلاذری، احمد بن یحیی، (۱۳۳۷)، فتوح البلدان، ترجمه محمد توکل، تهران: نشر نقره، چ اول.
۹. بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، (۱۳۶۱)، دلائل النبوه، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۰. التیمی السمعانی، ابوسعید عبدالکریم بن محمد بن منصور، (۱۳۸۲ ق)، الانساب، حیدرآباد: مجلس دائره المعارف العثمانیه، ط. الاولى.
۱۱. جعفریان، رسول، (۱۳۸۰)، تاریخ سیاسی اسلام، قم: انتشارات دلیل، چ اول.
۱۲. جعفریان، رسول، (۱۳۶۹)، تاریخ سیاسی اسلام، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چ ۲.
۱۳. الحرانی، (۱۳۸۰)، ابی محمد حسن بن علی بن الحسین بن شعبه، تحف العقول عن الرسول، ترجمه محمدباقر کمره ای، تهران: انتشارات کتابچی، چ ۸.
۱۴. حیدری نسب، علیرضا، (۱۳۹۰)، حاکم نیشابوری و المستدرک علی الصحيحین، تهران: انتشارات علمی-فرهنگی، چ اول.
۱۵. زرگری نژاد، غلامحسین، (۱۳۷۸)، تاریخ صدر اسلام، تهران: سمت، چ اول.
۱۶. سید رضی، (۱۳۷۸)، نهج البلاغه، سید جعفر شهیدی، تهران: انتشارات علمی فرهنگی، چ ۱۴.
۱۷. مطهری، مرتضی، (۱۳۶۸)، ده گفتار، تهران و قم: انتشارات صدرا، چ ۵.
۱۸. طبری، محمد بن جریر، (۱۳۷۵)، تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: اساطیر، چ ۵.
۱۹. ابن خلدون، عبدالرحمن، (۱۳۷۵)، مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چ ۸.
۲۰. عبدالرحمن بن خلدون، (۱۳۶۳)، العبر، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، چ اول.
۲۱. ابن اثیر، عزالدین علی، (۱۴۰۱)، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، بیروت: دارالفکر.
۲۲. ابن اثیر، عزالدین علی، (۱۳۷۱)، الکامل تاریخ بزرگ اسلام و ایران، ترجمه ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی، تهران: مؤسسه مطبوعاتی علمی.

۲۳. قاضی ابر قوه، رفیع الدین اسحاق بن محمد بن همدانی، (۱۳۷۷)، سیرت رسول الله، ترجمه اصغر مهدوی، تهران: انتشارات خوارزمی، چ ۳.
۲۴. القشیری النیشابوری، ابوالحسین مسلم بن الحجاج، (۱۳۷۴ ق)، الصحیح، بیروت: دارالاحیاء.
۲۵. قمی، محمد بن علی بن بابویه، (۱۳۸۱)، خصال شیخ صدوق، محمدباقر کمره ای، تهران: انتشارات کتابچی، چ ۹.
۲۶. کلینی رازی، ابی جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق، (۱۳۴۸)، اصول کافی، سید جواد مصطفوی، تهران: انتشارات علمیه الاسلامیه، چ ۱.
۲۷. گنابادی، سلطان محمد، (۱۴۰۸) بیان السعاده فی مقامات العباد، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات، چ ۲.
۲۸. مترجمان، (۱۳۶۰) مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات فراهانی، چ ۱.
۲۹. مترجمان، (۱۳۷۷) ترجمه تفسیر جوامع الجامع، مشهد: پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، چ ۲.
۳۰. مسعودی، أبو الحسن علی بن الحسین، (۱۳۷۴)، مروج الذهب و معادن الجواهر، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چ ۵.
۳۱. مقدسی، مطهر بن طاهر، (۱۳۷۴)، آفرینش و تاریخ، محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: آگه، چ ۱.
۳۲. المقریزی، تقی الدین احمد بن علی، (۱۴۲۰)، امتاع السماع بما للنبی من الاحوال و الاموال و الحفد و المتاع، بیروت: دارالکتب العلمیه، ط.الاولی.
۳۳. موسوی همدانی، سید محمدباقر، (۱۳۷۴)، ترجمه تفسیر المیزان، قم، دفتر انتشارات حوزه علمیه، چ ۵.
۳۴. واقدی، محمد بن سعد، (۱۳۷۴)، طبقات الکبری، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: انتشارات فرهنگ و اندیشه.
۳۵. واقدی، محمد بن عمر، (۱۳۶۹)، مغازی تاریخ جنگ های پیامبر ۹، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، چ ۲.
۳۶. الهاشمی البصری، محمد بن سعد بن منیع، (۱۴۱۰)، الطبقات الکبری، بیروت: دارالکتب العلمیه، ط. الاولی.